

عددها، عددی نیستند!

۹

وقتی دبیرستانی بود دوست داشت مرد سیاست شود همین شد که از بزرگراه مهندسی و پزشکی مسیر کج کرد به سمت علوم انسانی و برخلاف بیشتر نوجوان‌ها در مسیر رویاهایش درس خواند. مهدی کیانی متولد شهر بیرجند مثل خیلی‌های دیگر کنکور را یک وسیله برای رسیدن به اهدافش می‌دید که باید خوب بگذراند و به گفته خودش هیچ‌گاه در مورد چرا باید این درس‌ها را بخوانم غرنزده است. درسش خوب بود و نتیجه آزمون‌های همگانی قبل از کنکور قابل توجه. همه انتظار داشتند که اگر رتبه کنکورش هم به همین خوبی بشود، برود حقوق بخواند یا رشته‌هایی مثل علوم قضایی که درآمد ثابت دارد. رشته‌های عالی که قبولی در آنها آرزوی خیلی‌هاست. اما مهدی بعد از آمدن رتبه‌ها، مصمم شد مسیری دیگر را برای خود انتخاب کند چون حس می‌کرد انتخاب این رشته‌ها یعنی پذیرش چیزی که نیست و نمی‌خواست باشد. وقتی وارد دانشگاه شد گاهی این حس سراغش می‌آمد که شاید رشته یا درس بهتری وجود داشته باشد که بخواهد انتخاب کند، شاید اشتباه کرده است اما بعد از مدتی به این نتیجه رسید با تلاش می‌تواند در هر رشته‌ای خوب بدرخشد و این موضوع است که اهمیت دارد. مهدی رتبه ۹ منطقه ۲ و رتبه ۳۹ کشوری، انتخاب کرد که به رشته مدیریت مالی برود و اجازه ندهد یک عدد تعیین‌کننده سرنوشت او باشد.

۱۳۰۰

کاردستش داد! استرس قبول نشدن در دانشگاه و رشته رویاهایش آخر سر کار دستش داد و در چهار ساعت رقابت کنکور نتوانست آن‌طور که باید به خودش مسلط باشد و تست‌ها را حل کند، گرچه وقتی رتبه‌ها آمد عدد اقبالش بسیار خوب بود اما او را به نرم‌افزار شریف نمی‌رساند. نگار یکی از صدها نوجوان تهرانی بود که از همان بچگی خودش را در قامت دانشجوی رشته مهندسی نرم‌افزار در دانشگاه صنعتی شریف تصور می‌کرد. با انگیزه قوی‌ای که داشت سال دوازدهم را حسابی درس خوانده بود و به قول بچه‌ها تمام زندگی‌اش را پای دانشگاه شریف گذاشته بود. بعد کنکور احساس پوچی نمی‌گذاشت که استراحت نکند و کمی هم به علت فشاری که به خودش آورده بود مریض شد. نگار مصمم بود که مغلوب نشود و مبارزه کند. دلش نمی‌خواست یک بازنده باشد. دوست داشت به عنوان یک مبارز شناخته شود و برای همین تصمیم بزرگی گرفت هر چند این روزها که جواب انتخاب رشته دوستانش آمده و بچه‌ها در حال ثبت نام دانشگاه هستند با خودش مدام در جدال است که نکند زمین مبارزه را اشتباه تشخیص داده و باز هم مغلوب کنکور شده است؟ نکند سرسخت بودنش را باید در مسیر دیگری اثبات می‌کرد؟ نگار رتبه ۱۳۰۰ منطقه یک کنکور ۱۴۰۰ تصمیم گرفت که انتخاب رشته نکند و دوباره سال دیگر کنکور بدهد.

۳۴۰۰۰

اولش از زمین و زمان شاک می‌کرد. نمی‌دانست از کجا مقصر پیدا کند، هر چند او پیروز بود. همه می‌دانستند برای درسش کم فروشی نمی‌کند، ولی در آزمون‌های مقدماتی کنکور هیچ وقت نمی‌توانست به نتیجه برسد. مشاورها می‌گفتند بقیه تقلب می‌کنند سر آزمون، موقع کنکور درست می‌شود. فاطمه از بچه‌های معدل ۲۰ شهر شیراز با این که به شدت در یادگیری درس‌ها تیز و سریع بود و همه معلم‌ها از او تعریف می‌کردند اما توانایی سریع تست زدن نداشت و همیشه زمان کم می‌آورد. فاطمه از همان بچه‌های پرانرژی و سختکوش بود که سرزنش زبانزد خاص و عام کل خانواده شده بود. وقتی رتبه‌ها آمد می‌توانست مغلوب بماند. می‌توانست دیگر همان فاطمه قبلی نباشد؛ یعنی مدتی هم با عصبانیت روزگار خودش و خانواده را سیاه کرد اما در گیرودار روزهای انتخاب رشته تصمیم دیگری گرفت؛ تصمیم گرفت خودش مسئول آینده خودش باشد نه یک عدد. حالا که جواب انتخاب رشته‌ها آمده است او خودش را پیروز این میدان می‌داند. حالش خوب است و می‌خواهد در آینده یک مخترع بزرگ بشود. فاطمه با حدود رتبه ۳۴ هزار منطقه یک انتخاب کرد براساس سوابق تحصیلی وارد دانشگاه بشود و شد؛ مهندسی شیمی دانشگاه آزاد شیراز.

۲

برنامه نویسی برای علی هیجان انگیزتر بود و در این جهت تلاش هم کرده بود و به قول خودش خوب شدن زبان انگلیسی‌اش را مدیون همین است. اما شرایط محیط و بعضا خانواده او را ترغیب به انتخاب دیگری کرد؛ انتخابی که این روزها طرفدار کم ندارد و مثل خیلی‌های دیگر با ورود به دبیرستان از مسیر رویای‌اش جدا شد. اما ماجرا اینجا تمام نمی‌شود و برخلاف اکثر دوازدهمی‌ها، کنکور در نظرش یک مرحله معمولی از زندگی بود که می‌دانست هیچ چالشی در آن نخواهد داشت. رتبه‌ها که اعلام شد برایش عجیب نبود و منتظر دقیقاً همین عددی بود. هر قدر موقع انتخاب رشته تجربی دچار چالش شده بود اما موقع انتخاب رشته و شهر تحصیلش با خانواده همسو بود و همه اتفاق نظر داشتند باید همین انتخاب را بکند هر چند مرسوم نباشد. علی عبدال... زاده در شهر تربت حیدریه خراسان رضوی بزرگ شده و همان‌جا هم درس خوانده است. علی می‌گوید هیچ حسرتی از دوران نوجوانی‌اش ندارد و حالا دوسه سالی است وارد دانشگاه شده. نمی‌توان گفت که علی مغلوب یک عدد و رتبه بوده اما در این سال‌ها فکر پشیمانی از انتخاب رشته سراغش آمده و منتظر است با عملی تر شدن درس‌ها کم‌کم علاقه‌اش بیشتر بشود. علی رتبه ۲ کشوری رشته تجربی، پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد را انتخاب کرد.



۱۳

تصورش را نمی‌کرد و حس می‌کرد خیلی خراب کرده است اما نتیجه طور دیگری رقم خورد و درس خواندن‌های دوران نوجوانی‌اش بی‌نتیجه نماند. وقتی کوچک‌تر بود تدریس را بیشتر دوست داشت اما کم‌کم خواستش تغییر کرد و در دبیرستان انگیزه درس خواندنش جدی‌تر شد. محمدحسین اسلامی، متولد شهر تاریخی زرنده کرمان از انتخاب روزهای نوجوانی‌اش راضی است و مصمم می‌گوید اشتباه نکرده است، هر چند دلش می‌خواهد اگر به قبل بازگردد بیشتر کتاب بخواند و تجربه‌های بیشتری کسب کند اما خود را آدم موفق می‌داند چون توانسته

محدودیت‌های شهرش را کنار بزند و به آرزویش برسد. انتخاب کرد توانایی‌هایش را درست ببیند و هدفش را بزرگ انتخاب کند نه براساس امکانات. سقف بلند آرزوها هم بلند می‌خواهد که محمدحسین در گذر از مرحله کنکور این را نشان داد که مرد میدان است. کتابخانه‌های زرنده محدود بود و تهیه کتاب‌های تست سخت. دبیرهای خوب مهاجرت کرده‌اند به شهرهای بزرگ‌تر و دبیر کنکوری نداشتند. بچه‌های سال آخر برای درس خواندن مجبور بودند هر روز از ۸ صبح تا ۱۰ شب مدرسه باشند و به قول خودشان هر اتفاقی که برای یک دانش‌آموز کنکوری نکته مثبتی است در شهر زرنده برعکس آن وجود دارد اما با همه اینها محمدحسین رتبه ۱۳ منطقه سه و ۸۲ کشوری از همان دبیرستان انتخاب کرد که به پزشکی دانشگاه تهران برسد و رسید.



۳-۳-۶

ضمیمه نوجوان

شماره ۷۳ ■ ۲۲ مهر ۱۴۰۰

نوجوانان
جام



زهرا عزیزی